

ذکر این نکته در بادی امر، خالی از لطف نیست که در هر صنف و گروهی، همه‌گونه عضو وجود دارد و ایضا صنف شریف روحانیت نیز از این قاعده مستثنی نبوده، همواره عناصری غیر صالح، در این قشر نفوذ کرده؛ علاوه بر کارشکنی علیه جریان روحانیت اصیل، سعی در لکه دار نمودن نام این نهاد داشته‌اند و حتی در مواردی به موفقیت‌هایی نیز نائل آمدند.

از آن جمله می‌توان به روحانیون درباری اشاره نمود که با تقلیل شأن علمای اسلام به «مجیزگویان و دعاگویان شاه»، موجبات بدبینی برخی افراد به این نهاد را فراهم می‌آوردند و می‌توان دکتر علی شریعتی را در عداد افرادی به شمار آورد که از عالمان فاسد بیزار بود؛ چرا که «إذا فسَدَ العالم، فسَدَ العالم»

شریعتی، انسانی پرسوز و دردمند بود و در مقابل آنچه ناصحیح می‌دانست - هر چند در مواردی در مقام تشخیص، دچار اشتباه می‌شد - دم فرو نمی‌بست و طریق مباحثات در پیش نمی‌گرفت بلکه شجاعانه فریاد برمی‌آورد.

شریعتی در مواجهه با برخی روحانیون درباری و فاسد، دست به استقرایی ناقص زده، گمان برد که نهاد روحانیت، مرادف است با «تتاگویی شاهان» و «تخدیر ملتی که زیر یوغ استبداد اند»؛ فلذا ابتدائاً اقدام به جبهه‌گیری و اتخاذ مواضع تند علیه روحانیت نمود، به طور نمونه در یکی از مکتوبات خود، چنین می‌آورد:

«خداوند، اراده کرده‌است که دین خودش را از دست دکانداران و دین‌فروشان حرفه‌ای... نجات دهد و اسلام را از انحصار نسل فرسوده و منحط و عوام و عقب‌مانده‌ی رو به زوال، در آورد و در زمان، طرح کند و بر وجدان زنده و بیدار و مغز آگاه و دانشمند این نسل، عرضه کند.» (مکتوبات شریعتی، ص ۱۳۸)

البته ایرادی که به شریعتی وارد می‌دانیم، از باب عدم تفکیک میان روحانیت اصیل و برخی «روحانی‌نما» هاست و نه از حیث انتقاد به برخی نفوذی‌ها در کسوت روحانیت، چه، حضرت امام خمینی (ره) بیش از هر شخصیت دیگری، این گروه را مورد شماتت قرار می‌دادند.

اینک به بازخوانی برخی مواضع امام (ره) در مورد روحانیت غیر اصیل می‌پردازیم:

«حوزه علمیه اگر درست بشود، ایران درست می‌شود. و اگر خدای ناخواسته - در حوزه علمیه فساد به وجود آید... در سرتاسر ایران فساد پیدا می‌شود و آن‌ها که همیشه در فکر بوده‌اند که در حوزه علمیه نفوذ کنند، به همین خاطر است. نفوذ آن‌ها، نفوذ ظاهری نیست که معلوم باشد فلان آقا نفوذی است، چه بسا بیشتر از شما اظهار دینت بکنند، مع ذلک، در موقع مناسب، کارش را انجام بدهد.» (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۰)

ایشان در جایی دیگر چنین می‌فرمایند:

«خدای متعال می‌داند که من نسبت به آخوندهای فاسد، آن قدر شدید هستم که نسبت به سایر مردم نیستم. ساواکی پیش من محترم‌تر است از آخوند فاسد! آنقدر صدمه‌ای که اسلام از یک آخوند فاسد می‌خورد از محمدرضا نمی‌خورد!» (صحیفه نور، ج ۱۰، صص ۲۷۸ و ۲۷۹)

می‌بینیم که حضرت امام (ره) در انتقاد از قشری که از آن تعبیر به «آخوند فاسد» می‌کنند، گوی سبقت را از سایرین، می‌ربایند. همچنین تعبیری که خلف صالح امام روح الله (ره)، حضرت امام خامنه‌ای، در مورد برخی افراد و جریان‌های نفوذی در بدنه‌ی روحانیت، به کار می‌برند از قبیل «باغی بر انقلاب»، «تشیع انگلیسی» و... که موید این نکته است که دکتر شریعتی پر بیراه هم نگفته‌است و همواره دست‌هایی در کار بوده تا در مقابل خط اسلام، خطوط بدلی ترسیم نماید و تاریخ اسلام، سراسر شاهد «جدال دو اسلام» بوده است.

شریعتی اما چندی بعد در نظریات خود پیرامون روحانیت تجدید نظر نمود.

امام خامنه‌ای (حفظه الله)، در این باره این گونه می‌فرمایند:

«او (شریعتی) معتقد بود که روحانیون به آن رسالت، به طور کامل عمل نمی‌کنند. بر این اعتقاد بود تا سال حدود ۵۱ و نزدیک ۵۲. از آن سال در اثر تماس‌هایی که دکتر با چهره‌هایی از روحانیت گرفت، کلا عقیده‌اش عوض شد. یعنی ایشان در سال ۵۴ و ۵۵ معتقد بود که اکثریت روحانیت، در خط عمل به همان رسالتی هستند که بر دوش روحانیت، واقعا هست. البته با روحانیونی که می‌فهمید در آن خط نیستند با آنها خوب نبود و شخصا به امام خمینی (ره) بسیار علاقه‌مند و ارادتمند بود.»

اظهارات خود دکتر شریعتی در حمایت از روحانیت نیز موید همین نظر رهبر انقلاب است.

«علمای شیعه، پاکترین گروه روحانی از میان همه‌ی ادیان و مذاهب عالم، به شمار می‌رود.»

همان گونه که از نظر گذشت، تئوریسین تز «اسلام منهای روحانیت» پس از چندی و در اثر آشنایی با روحانیون متعهد و راستینی همچون امام خمینی (ره)، آیت الله خامنه‌ای، شهید مطهری و سایر علمای متعهد، از نظریه‌ی خود عدول و عبور کرد.

لیکن آن چیزی که از نظریه‌ی اسلام منهای روحانیت؛ خطرناک تر و مضرت‌تر است معضل «روحانیت منهای اسلام» است که قدمتی برابر با تاریخ اسلام داشته و آنچنان دیرپاست که به نظر می‌رسد تا ظهور یگانه منجی و مصلح عالم بشریت (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) نیز کماکان وجود داشته باشد.



## نفوذ علمی، قصور یا دیانت؟



### بسیج، مظهر جذب حداکثری

صفحه ۳

تئوری من است



# «روحانیت منهای اسلام»

## زمینه‌ساز تز

# «اسلام منهای روحانیت»



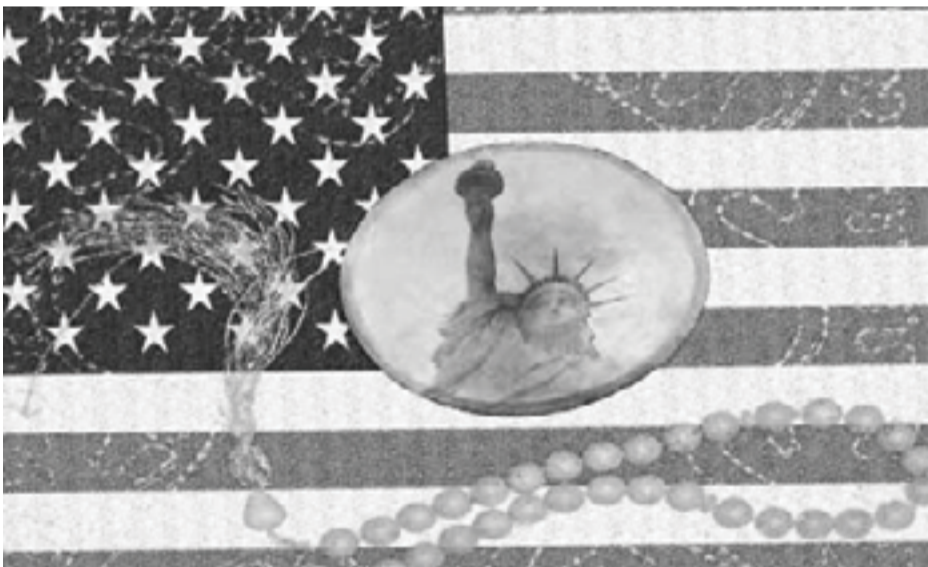
# اسلام رحمانی و اسلام تکفیری، دو لبه‌ی قیچی استکبار

هزاران بار «رحماء بینهم» را خوانده‌اند ولی از درک «اشدء علی الکفار» عاجز مانده‌اند. مابه ازای همین تعریف بی‌استخوان و پوک از اسلام، تعریفی دیگر نیز ورای مرزهای این کشور شکل گرفت، که شاید به ظاهر با همزاد رحمانی خود هیچ نسبتی نداشته باشد ولیکن هم بذیشان یکیست هم باغبانشان و هم آبخویشان؛ با این تفاوت که یکی بر تمامی آیاتی که دیگری بر نیزه کرده، چشم پوشانده است. این دو گروه را می‌بینید که به سان دو تیغ آخته و برآن به سوی یکدیگر در حرکتند، ولی همانند لبه‌های یک قیچی بی‌آن‌که کوچک‌ترین اصطکاک با هم داشته باشند، از کنار هم عبور می‌کنند و آنچه که می‌برند چیزی جز اسلام در معنای اکمل، معقول و محمدی آن نیست. خان طومان و موصل و رقه و عاشورای ۸۸ را به دقت از مقابل دیدگانتان عبور دهید، آیا نزاع و برخوردی میان این دو اسلام رحمانی و ارهابی می‌بینید؟

رضا باقری پور، علوم سیاسی ۹۴ |

\*\*\*\*\*

- (۱) ازمنه: جمع زمان
- (۲) مذذب: دچار تردید
- (۳) مالیخولیا: نوعی بیماری روانی



هر پدیده‌ای را که می‌بینید و هر آنچه که ندیده‌اید لیکن باور به وجودش دارید، همه و همه متناسب با مختصات وجودی خود دارای تعریفی واحد و حدود و ثغوری روشنند؛ اما نظرگاه ما انسان‌ها نسبت به مفهومی خاص زمانی دچار تشمت و افتراق می‌گردد که، ما وفق آنچه که متمایل به آنیم دست به خلق و ایجاد معنا بزنیم؛ به دیگر سخن این‌که تعریف حقایق و وقایع را نه قائم به آنچه که هستند بلکه از مصدر خواست و علاقه خود صادر کنیم.

این روش از ساخت تصور و معنا از ازمنه<sup>(۱)</sup> حیات در روان آدمیان بوده و هست. منتها مابه ازاء پختگی روح و گسترش گنجایش درک در انسان، مجال این نوع از تعریف‌سازی نیز محدود و محدودتر می‌شود.

درنظر بگیریید کودکانی را که از شهرسازی برمی‌گردند و شما آن‌ها را پیرامون چپستی شهرسازی مورد خطاب قرار می‌دهید. یکی شهرسازی را به محلی که دارای تاب و ترن‌هوایی است تعبیر می‌کند و دیگری با یاد کردن از رستوران و رنجر قصد دارد مفهوم ساخته شده از شهرسازی در ذهن خود را به شما منتقل کند.

این‌ها که گفته شد همه و همه جزئی از شهرسازی اند ولی شهرسازی فقط منحصر در این موارد نیست.

به بیان بهتر این‌که شهرسازی همه این‌ها هست ولی تک تک این‌ها نیست.

چنانچه این مسئله و مصداق را به سایر جنبه‌های حیات بشری تعمیم دهید، به راحتی و فارغ از تمام تفسیر و تحلیل‌های گیج‌کننده، بخشی از علل انشعابات تئوریک و نظری پیرامون خود را درک می‌کنید.

برازنده است که قبل از این‌که مبحث اسلام و اسلام رحمانی را به درون این چهارچوب بکشیم این تک‌بیتی را نیز از نظر بگذرانید:

اسلام به ذات خود ندارد عیبی

هرعیب که هست از مسلمانی ماست

با ذکر این بیت قصد بیان این موضوع را داشتیم که در این نوشته شروع تحلیل منشا اسلام رحمانی را نه خود اسلام، که

صرف چسباندن قیودی همچون رحمانی و یا ارهابی به اسلام آن هم بعد از گذشت قرون عدیده از پیدایش آن، این مفهوم را به خوبی روشن می‌کند که اسلام مطلق خود چیزی سوای این پسوند و پیشوندهاست.

## خدایا به دینداران ما، «دین» بخشا..

ای خداوندا!

محافظه کاران ما گستاخی، و به نشستگان ما قیام و به راکدان ما تکان، و به مردگان ما حیات، و به کوران ما نگاه، و به خاموشان ما فریاد، و به مسلمانان ما قرآن و به شیعیان ما علی(ع)، و به فرقه‌های ما وحدت، و به حسودان شفا و به خودبینان ما انصاف، به فحاشان ما ادب، به مجاهدان ما صبر و به مردم خودآگاهی، و به همه ملت ما، همت تصمیم و استعداد فداکاری و شایستگی نجات و عزت بخشا.

به عوام ما علم، به مومنان ما روشنایی، و به روشنفکران ما ایمان، و به متعصبین ما فهم، و به فهمیدگان ما تعصب، به زنان ما شعور و به مردان ما شرف، و به پیران ما آگاهی و به جوانان ما اصالت، به اساتید ما عقیده و به دانشجویان ما نیز عقیده، به خفتگان ما بیداری و به بیداران ما اراده، به مبلغان ما حقیقت و به دینداران ما دین، به نویسندگان ما تعهد و به هنرمندان ما درد، و به شاعران ما شعور و به محققان ما هدف، به نومیدان ما امید و به ضعیفان ما نیرو و به

دکتر علی شریعتی |

# نفوذ علمی، قصور یا دیانت (۱)؟

بدان تن داده‌اند و به تعبیر علامه جوادی آملی، دیانتی از سنخ علمی بر وزارت علوم حاکم است.

| محمدسعید ابراهیمی، حقوق ۹۲ |

\*\*\*\*\*

(۱) دیانت: بی غیرتی (فرهنگ معین)



توضیح عکس: فرانسوا سنمو عضو سازمان اطلاعاتی DGSI فرانسه در دانشگاه فردوسی

کلیدواژه‌ی «نفوذ» در سپهر سیاسی کشور، اول بار توسط امام خامنه‌ای مطرح گشت و مبین‌ترین دیدگاه جدید جبهه استکبار علیه میهنمان بود. نفوذ در این معنا، به مفهوم ورود و رخنه‌ی جاسوسان خارجی به مراکز حساس و انجام عملیات خرابکارانه نیست بلکه استراتژی نفوذ، ذیل مفهوم جنگ نرم دسته‌بندی می‌شود که عبارت است تلاش برای تسخیر مغزها و قلب‌ها و هدف، تغییر محاسبات و باورهای مسئولین و نخبگان کشور است تا از این رهگذر بدون دخالت مستقیم آنان، همان راهی را طی کنند که مطلوب آنان است و به عبارت آخری، مبدل به کارگزاران بی‌اجرت دشمن گردند. نفوذ، صورت و اشکال مختلفی دارد و در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و... متبلور می‌شود. اگرچه همه‌ی اقسام نفوذ در دستور کار

دشمن قرار دارد اما نفوذ علمی-فرهنگی به علت اثرات ریشه‌ای و بنیادین، از اهمیت بیشتری برخوردار است. در همین راستا دیپلمات‌های اروپایی مستقر در خاک ایران، کارویژه‌ی خود را از امور دیپلماتیک به بازدید و سخنرانی در محیط‌های آکادمیک تغییر داده‌اند. دنباله دار بودن این اقدامات و فراوانی آن، موبد این امر است که در چارچوب سیاست نفوذ صورت می‌گیرند و مضاف بر این، نکته‌ی جالب توجه این است که در اکثر موارد دیپلمات‌ها، خود خواستار حضور در مراکز علمی می‌گردند. وقوع دیدارهای دومی‌نو وار اینچنینی از مراکز آموزش عالی بیانگر عدم اهتمام مسئولان برای مقابله با نفوذ علمی است و این سوال را به ذهن متبادر می‌نماید که آیا مراجع ذی‌مدخل به مقوله‌ی نفوذ اعتقاد ندارند و آن را توهم توطئه می‌دانند و یا آن‌که علی‌رغم باور به مفهوم نفوذ،

اگرچه همه‌ی اقسام نفوذ در دستور کار دشمن قرار دارد اما نفوذ علمی-فرهنگی به علت اثرات ریشه‌ای و بنیادین، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

# بسیج، مظهر جذب حداکثری

امام خامنه‌ای: دل، متعلق به این جبهه است / حق نیست پردازان کنیم

بسیج، برخلاف تصور عامه، یک سازمان با یک تعداد پرسنل و عضو نیست؛ بلکه یک «تفکر» است که شالوده‌ی نظری و گفتمانی آن مبتنی است بر اخلاص، نوع‌دوستی، تعهد، ولایت‌مداری و ظلم‌ستیزی. لهذا این تصور که بسیج را محصور در یک سازمان و تشکیلات بدانیم و فقط بر اعضای آن، صفت بسیجی را اطلاق نماییم، تصویری نادرست است.

به تعبیر امام خامنه‌ای، هر فردی که دل در گروی آرمان‌های رفیع انقلاب اسلامی دارد و قلبش برای اعتلا و مجد اسلام می‌تپد، به معنای حقیقی کلمه بسیجی است؛ حال می‌خواهد در هر کسوت و جایگاهی باشد. ای بسا بانوانی که ظاهر آنان ممکن است چندان با پوشش مطلوب یک بانوی مسلمان، تطابق و همخوانی نداشته باشد و حتی در عرف جامعه به آن‌ها «خانم بدحجاب» اطلاق گردد اما در عرصه‌ی ولایت باوری و مهم‌تر از آن ولایت یاوری که آزمونی بس صعب و دشوار است، گوی سبقت را از بسیاری دیگر از بانوان که پوشش ظاهری مدنظر اسلام و حتی در مواردی بیش از مقدار مقرر شده را رعایت می‌کنند، می‌ربایند.

البته این حرف، بدان معنا نیست که حجاب و پوشش ظاهری، اهمیت ندارد و صرف داشتن باطن و سیرت نیکو برای فرد کفایت می‌کند و پر واضح است که اگر سیرت و باطن نیکو با پوشش ظاهری مدنظر شارع مقدس، توأمان گردد مطلوب‌تر است، زیرا وضعیت ظاهری افراد تا حدود زیادی، نمایانگر افکار و شخصیت فرد است و به تعبیر دیگر تجلی درونیات هر فردی در

امر خویش پیشی گرفته، به‌رغم سکوت علی(ع)، بر روی مهاجمین، تیغ کشید و عاقبه الامر، در جنگ جمل به مقابله و مخاصمه با امیرمومنان(ع) پرداخت تا افرادی در نظام جمهوری اسلامی که زمانی درباره‌ی حجاب بانوان، سخت‌گیرانه‌ترین مواضع را اتخاذ می‌نمودند و در قبال پدیده‌ی بدحجابی، سیاست اعمال خشونت را در پیش می‌گرفتند و پس از سپری شدن ایامی چند، در چرخشی ایدئولوژیک، بسیاری از احکام و ضروریات دین را منکر شدند و به تخطئه‌ی آن پرداختند.

امیر ملک کلام، حضرت علی بن ابی‌طالب(ع) در حکمت شریفه‌ی ۷۰ نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «لا تری الجاهل الا مفرطا او مفرطا». «نادان را نمی‌بینی مگر در افراط یا تفریط... امید است الطاف باری تعالی شامل حال ما گردد و حضرت حق، ما را از مصادیق این حدیث گهربار مولای متقیان قرار ندهد.

| محمدسعید ابراهیمی، حقوق ۹۲ |



به تعبیر امام خامنه‌ای، هر فردی که دل در گروی آرمان‌های رفیع انقلاب اسلامی دارد و قلبش برای اعتلا و مجد اسلام می‌تپد، به معنای حقیقی کلمه بسیجی است.



### نشریه‌ی مستقل دانشجویی سال دوم، شماره‌ی هشتم

شماره‌ی مجوز: ۹۵۲۲۴۲  
سردبیر و صاحب‌امتیاز: محمدسعید ابراهیمی  
مدیر مسئول: امیرحسین دشتی  
هیئت تحریریه: محمدسعید ابراهیمی، سیدسعید حبیب‌زاده،  
رضا باقری‌پور، امیرحسین دشتی، آبتین نورانی، مجید  
نجفی، سیدجلیل حسینیان، صالحه رضایی، گلثوم گلی،  
فاطمه حسن‌زاده، ف.م، مریم سادات تقی‌زاده  
طراح و صفحه‌آرا: احمد قربانی‌پور

من همواره به خلوص و صفای  
بسیجیان غبطه می‌خورم و از خدا  
می‌خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند،  
چرا که در این دنیا افتخارم این  
است که خود بسیجی‌ام.



## عکس و مکث

### تذکره

(به علت توبیخ نشریه، نام این ستون از «تذکره الاشقیاء» به «تذکره» تغییر یافته است)

#### ۸- علیرضا علوی تبار

- زندگینامه:

علیرضا علوی‌تبار در سال ۱۳۳۹ در شیراز متولد شد. وی لیسانس خود را در رشته اقتصاد نظری از دانشگاه شیراز، فوق لیسانس برنامه ریزی و توسعه را از دانشگاه اصفهان و دکترای خود را در رشته‌ی خط‌مشی‌گذاری عمومی از دانشگاه تهران دریافت کرده است.

- روزنامه نگاری:

علوی‌تبار و حسین قاضیان از مشاوران ماهنامه‌ی زنان، سردبیر روزنامه‌ی توقیف شده‌ی بنیان و عضو شورای سردبیری روزنامه‌ی صبح امروز بودند. علوی‌تبار همچنین کاندیدای در اختیارگیری پست مدیرمسئولی روزنامه‌ی صبح امروز بود و از وی به عنوان جانشین سعید حجاریان یاد می‌شد.

- کنفرانس برلین:

علوی تبار به همراه اکبر گنجی و چنگیز پهلوان، نمایندگان روزنامه‌ی صبح امروز در کنفرانس ننگین برلین بودند. وی که در آن ایام عضو هیئت علمی آموزش مدیریت دولتی بود، بازداشت و در دادگاه معروف به مسافران کنفرانس برلین محاکمه شد، اما با رای دادگاه تبرئه گردید.

- تهییج متحصنین:

این عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت در جریان تحصن نمایندگان مجلس ششم در پائیز ۱۳۸۲ در کنار مصطفی تاجزاده وظیفه تهییج متحصنین را بر عهده گرفت. وی در ۲۸ آبان آن سال در جمع متحصنین بر ضرورت ورود به پیگیری تغییرات بنیادین در نظام جمهوری اسلامی پافشاری کرد.

- روزنامه‌های زنجیره‌ی:

علوی تبار مبتکر طرح نشریات زنجیره‌ای برای دور زدن قانون بود به گونه‌ای که پس از توقیف یک نشریه، همان نشریه را با نامی دیگر ولی با همان محتوا منتشر می‌نمود.

- نمونه‌ای از افاضات این فعال اصلاح طلب:

جامعه ایران فاز سنتی خود را پشت سر گذاشته و می‌خواهد مدرن و صنعتی شود.

«اما در این جامعه هنوز خدا نمرده است.» بنابراین ما چگونه می‌توانیم به این وضعیت چیره شویم.

### ارتباط با ما

...لطفا انتقادات، پیشنهادات و نقطه نظرات

خود را با ما در میان بگذارید:..

۰۹۳۸۲۲۳۹۹۷۴

ghalam313@chmail.ir

#ماهیه\_شرمساری

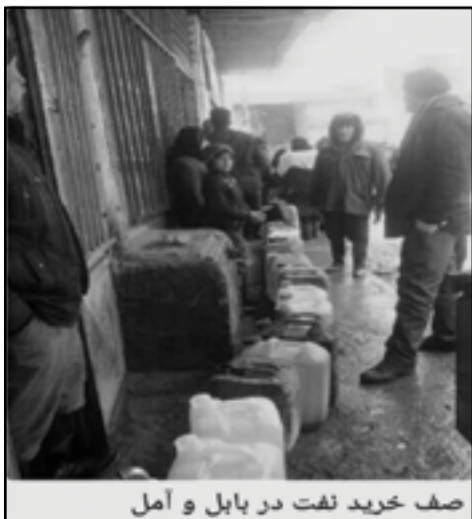


#ماهیه\_شرمساری



روزنامه اصلاح طلب جهان صنعت: دولت آمار رشد اقتصادی را دستکاری نکنند!!

#ماهیه\_شرمساری



صف خرید نفت در بابل و امل

